



مثل هر شب نشستند کنار مامان و قصه را گوش کردند. خاله خانم هم با هیجان قصه را گوش می کرد چون می خواست وقتی برگشت شهرستان قصه را برای بچه هایش تعریف کند.

کاش من هم مثل مامان شما این کار را می کردم! بعد هم بلند شد تا همراه بچه ها سری به اتاق تمیزشان بزند. آخر شب که شد، مامان برای بچه ها یک قصه ی قشنگ گفت. سارا و سعید

